

ارتباط بین انسان و آسمان از منظر اسلام

جواد دیواندری^۱، انسیه استادغفاری^{۲*}

۱- استادیار گروه معماری دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه کاشان

چکیده

از دیدگاه اسلام، ارتباط انسان با طبیعت در میان ارتباطات چهارگانه‌ی انسان (با خود، خدا، انسان‌های دیگر و طبیعت) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن کریم به عنوان مرجع اصلی دین اسلام همواره از طبیعت و شناخت آن سخن می‌گوید. در عصری که توسعه فن‌آوری و استفاده فزاینده از طبیعت منجر به گسترش آلودگی در آن و از دست رفتن منابع طبیعی و حتی ایجاد ضایعاتی در فضا (مانند رخنه دار شدن لایه ی اوزون) شده است، شنیدن نوای دوستی با طبیعت و هماهنگی با آن، می‌تواند بسیار دلنشین باشد. گرچه جهان امروز در صدد استیلا بر طبیعت است، اما مکاتب عرفانی همسازی با آن و بهره‌مندی صحیح از آن را به انسان می‌آموزند. از این رو آسمان نیز، به عنوان بخش عظیم و پیچیده‌ای از طبیعت، نیازمند توجه خواهد بود. چنانچه گذشتگان ما نیز به رابطه‌ی بین انسان و آسمان توجه بسیار معطوف داشته‌اند. در این پژوهش برآنیم تا اهمیت آسمان از دیدگاه اسلام و لزوم برقراری ارتباط و تفکر بر روی این پدیده‌ی عظیم الهی را روشن کنیم. بنابراین با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای به گردآوری مطالب مختصری پیرامون چیستی آسمان از منظر اساطیر و ادیان کهن و سپس به طور مفصل‌تر از دیدگاه اسلام و قرآن پرداختیم. در قرآن آسمان به عنوان یکی از منابع درک عظمت الهی بیان شده و تفکر و نظاره به آن بسیار سفارش شده است. از طرف دیگر بین بعضی از احکام شرعی اسلامی با نمودهای آسمانی ارتباط وجود دارد که در طول تاریخ اسلام سبب افزایش توجه مسلمانان به شناسایی مطالب نجومی بوده است. اما برخلاف گذشتگان که به آسمان توجه ویژه‌ای می‌بذول داشته‌اند، سبک زندگی انسان معاصر رابطه‌ی بصری بین او و آسمان را بسیار کم‌رنگ کرده‌است. از این‌رو به نظر می‌رسد که کاهش این ارتباط می‌تواند یکی از علل افزایش پریشان حالی و دوری از معنویات در انسان معاصر باشد. بنابراین شاید بتوان با افزایش این رابطه و ایجاد امکان نگاه همراه با تفکر بر پرده‌ی وسیع و پر رمز و راز آسمان این خلاء را پر کرد. *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

واژگان کلیدی: آسمان، آسمان از منظر قرآن، آسمان در اساطیر، ارتباط انسان و آسمان، جدایی انسان و آسمان

مقدمه

انسان از دیرباز نظاره‌گر دنیای شگفت‌انگیز آسمان بوده و در این ۴۵۰۰ سال همواره مجذوب جلوه‌های این طبیعت فراموش شده گردیده و در پی آن بوده است تا بتواند با آن ارتباط برقرار کند و از آن به عنوان راهنما و آزمایشگاه نجومی بهره‌برد. به عقیده‌ی «واندروران» علاقه و اشتیاق بشر در طول تاریخ برای مطالعه‌ی آسمان می‌تواند ناشی از دو انگیزه باشد: (۱) جذبه‌ی روش ریاضی که تنها از آن راه می‌توان به دانش یقینی دست یافت. (۲) محتوای عالی دانش نجوم، یعنی ازلی و ابدی بودن اجرام سماوی ربانی. (واندروران؛ ۱۶) آنهایی که نسبت به جذبه روش ریاضی حساس‌اند انگشت شمار می‌باشند. اما حیرت از هیبت زیبایی شب پر ستاره از ویژگی‌های همگانی آدم‌هاست.

تاثیر آسمان بر تمامی ابعاد زندگی انسان از گذشته تا به امروز کاملاً روشن است. برای مثال هزاران سال پیش مردم می‌پنداشتند که ستارگان میخ‌های نقره‌ای هستند که بر سقف آسمان کوبیده شده و به خواست خدایان به دور زمین می‌چرخند.

حتی تا چند صد سال اخیر نیز مردم، سرنوشت و پیشامدهای زندگی‌شان را به این اجرام کیهانی نسبت می‌دادند و برای تصمیم‌گیری درباره‌ی انجام دادن امور مهم، به نحوه‌ی قرار گرفتن ستاره‌ها متوسل می‌شدند. به عقیده‌ی الیاده در اساطیر آسمان به خاطر بلندی نامحدود و بی‌نهایتش دارای قداست الهی بوده است. از این‌رو آسمان را جایگاه دائمی خدایان می‌دانسته‌اند. از همین جاست که نیایش‌های همه‌ی اقوام همگی متوجه آسمان است. (الیاده ۵۷-۷۱) در اسطوره‌های ایرانی نیز از آسمان به عنوان پدر کیهان یاد شده و همواره بشر در آسمان به جستجوی خدایان می‌پرداخته است. (سرخوش؛ ۱۲۷)

در اسلام نیز آسمان به عنوان یکی از منابع درک عظمت الهی بیان شده است. خداوند در این کتاب آسمانی، آفرینش آسمان را نشانه‌ی خود می‌داند و با بیان برخی ویژگی‌های آسمان، انسان‌ها را به تفکر و تأمل در آن سفارش کرده است تا از این راه به وجود و صفات خداوند پی ببرند. قرآن در موارد فراوانی به آسمان قسم یاد کرده است (ذاریات، ۷ و طور، ۵ و بروج، ۱ و طارق، ۱ و شمس، ۵) و آن را از بزرگترین مخلوقات (نازعات، ۲۷) و ملک (آل عمران، ۱۸۹؛ مائده، ۱۷ و ۱۸) و میراث (آل عمران، ۱۸۰) برای خدایی می‌داند که عرش و تخت قدرت او سراسر آسمان‌ها را فرا گرفته است. (بقره، ۲۵۵) پروردگاری که ملکوت آسمان‌ها را به پیامبرش، ابراهیم (ع) نشان داد (انعام، ۷۵) و از انسان‌ها نیز خواست که در آن تأمل و تفکر کنند. (اعراف، ۱۸۵ و یونس، ۱۰۱) قرآن، آسمان (جاثیه، ۳) و آفرینش (آل عمران، ۱۹۰ و بقره، ۱۶۴) آن را آیه و نشانه‌ی خداوند می‌داند (روم، ۲۲) و تفکر در آن را علامت ایمان می‌شمارد. (آل عمران، ۱۹۱) (مسترحمی؛ ۸۷)

از طرفی بین بعضی از احکام شرعی اسلامی با نمودهای آسمانی ارتباط وجود دارد که در طول تاریخ اسلام سبب افزایش توجه مسلمانان به شناسایی مطالب نجومی بوده است: اوقات نمازهای پنجگانه‌ی روزانه با توجه به موقعیت جغرافیایی و زمانی، تعیین جهت قبله، آمادگی برای نماز خسوف و کسوف، تعیین آغاز و پایان ماه رمضان و نیز لحظه‌ی ملکوتی سحر و افطار در این ماه، این‌ها همه مستلزم درک عمیقی از علم هیئت است.

در این پژوهش برآنیم تا اهمیت آسمان و لزوم برقراری ارتباط و تفکر بر روی این پدیده‌ی عظیم الهی را روشن کنیم. از این‌رو در ابتدا به مرور مختصری از چیستی آسمان از دیدگاه اساطیر و ادیان کهن و به طور مفصل‌تری از دیدگاه اسلام و قرآن بدان جهت که با فرهنگ و تمدن ایرانی عجین‌تر است، پرداختیم. پس از آن نیز پیوند میان آسمان و انسان را مورد بحث قرار دادیم. و اما آنچه به عنوان سؤال مبهم باقی می‌ماند و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد بررسی قرار گیرد، نقش معماری و شهرسازی گذشته و معاصر در ایجاد ارتباط بصری بین انسان و آسمان و در واقع پیوند بین انسان و آسمان است. چرا که در معماری گذشته، به عنوان ظرف زندگی نیاکان ما، همواره دید به آسمان امکان پذیر بوده است. و از آنجا که نمی‌توان تأثیرات روانی این ارتباط بصری را انکار کرد، سؤال دیگر می‌تواند تأثیرات روانی و رفتاری نگاه بر آسمان از درون فضای زندگی باشد.

الف) آسمان از منظر اساطیر و ادیان کهن

در اساطیر، طبیعت همواره لبریز از قداست است چرا که آفریده‌ی خدایان است و آسمان به خاطر حضور دائمی خدایان در جایش، نسبت به مکان‌های دیگر قداست بیشتری دارد. (جان صدقه، ۱۱۲) از آنجا که باروری زمین و کشتزارها نیز به آسمان وابسته است، استمرار حیات بر زمین را تأیید می‌کند و قداست و الهی بودن آسمان را قوت می‌بخشد. از طرفی آسمان بدون استناد به افسانه‌پردازی اساطیر، مستقیماً نمایشگر استعلا و قدرت و قداست ذات خود است. همان مشاهده‌ی ساده‌ی طاق آسمان، برانگیزاننده‌ی تجربه‌ای مذهبی در وجدان انسان ابتدایی است. اعتقاد به موجود برتری که آسمانی است، معمولاً در کهن‌ترین جوامع ابتدایی (مانند بیگم‌های آفریقا، استرالیا و آسیای شرقی) مشاهده می‌شود. (الیاده: ۷۱) و اما به طور کل پس از مطالعه‌ی تطبیقی آسمان در اساطیر اقوام کهن، که در جدول زیر به صورت خلاصه آمده است، می‌توان نشانه‌هایی از تأکید بر عناصر مشترک آسمانی و وجود خدایان بزرگ آسمانی را مانند: دیائوس، وارونا، اهورامزدا، تشوب، اورانوس، زئوس، ژوپیتر، مرکور، تیواز، اودن و غیره مشاهده کرد که همه صور تاریخی و پیشرفته این خدای آسمانی آغازین‌اند که در منابع اساطیری بزرگ نقش دارند. آن چه ابداً محل تردید نیست، اعتقاد تقریباً جهانی به ذات الهی آسمانی، خالق عالم و ضامن باروری زمین است که نزد همه‌ی ملل «پدر آسمانی» شمرده می‌شود.

جدول ۱: آسمان در ادیان کهن: مظهر قداست و وسعت و ارتفاع بی‌نهایت و عامل باروری زمین (منبع: نگارنده)

ملت	ارتباط بین آسمان و خدایان
آفریقا	اعتقاد به موجودی برتر که آسمانی است. (پدر آسمان): جایی که آسمان هست، خدا نیز هست. (الیاده، ۱۳۸۵، ۷۱)
هند	«وارونا» چشم آسمان است. او همه چیز را «می‌بیند» و از همه‌ی خطاها باخبر است. او نماد نیروهای شگفت آور، عدالت، تدبیر، امنیت شاهانه و امنیت مردم و همه‌ی «حاکمیت» هاست. (الیاده، ۱۳۸۵، ۸۱)
چین	آسمان، والاترین مرتبه را در میان خدایان چینی داشته است. او را «سرور والایان» یا «پادشاه» می‌نامیدند. همه‌ی امپراتورهای چین «پسر آسمان اند». (جان صدقه، ۱۱۶)
ایران	اهورامزدا، آقای حکمت و خدای مالک است، جامه‌ی او گنبد آسمان است و باران را برای خوراک انسان می‌فرستد. (شیت اوستا؛ ۱۲؛ ۱-۱۳)
بابل	بابلین خدای آسمان را Anu می‌نامند که خدایی آفریننده نیست و تمثالی از او وجود ندارد. او در آسمان خانه دارد و سیلاب به قصر او نمی‌رسد و دیگر خدایان در قصر وی به دیدار او می‌شتابند. معبد وی خانه خدا نامیده می‌شود. این خدای بابلی بر عرش الهی تکیه دارد. «نفرین از دریا» مرکز شیاطین بیرون می‌آید و آفرین از آسمان‌ها. (جان صدقه، ۱۱۷)
حمورابی	در آیین حمورابی، «خدای آسمان» و «پدر آسمان‌ها» و «پادشاه آسمان‌ها» را نیایش می‌کنند. ستارگان سپاهیان اویند. (همان، ۱۱۷)
یونان	خدای آسمان «اورانوس» است. مخلوقات این خدا، بر خلاف دیگر خدایان، به خاطر نفرتی که از آن‌ها دارد، عجیب و غریبند. (همان، ۱۱۷)
مصر	گاهی خود آسمان و زمانی اجرام درون آسمان را مورد پرستش قرار می‌دادند. (ویل دورانت، ۷۹)

اما پیوستگی آسمان و زمین که در این اسطوره‌ها، رحمت خدایی و موجب نزدیکی انسان و خدایان پنداشته شده پایدار نمی‌ماند. این پیوند به شکلی ناگهانی از هم گسسته می‌شود که نتیجه‌ی آن جدایی کنونی آسمان و زمین است.

جدول ۲: اسطوره‌ی جدایی آسمان و زمین در ملل مختلف، منبع: نگارنده

ملل کهن	اسطوره‌ی جدایی زمین و آسمان
مائوری‌ها	فرزندان آسمان و زمین در جستجوی نور، اوتار بین آسمان و زمین را گسستند و پدرشان (آسمان) را آن قدر بالا بردند که به هوا پرتاب شد و روشنایی، جهان را در گرفت. (سرخوش، ۱۲۸)
تاهینی	این گروه معتقدند که این کار، توسط گیاهی صورت گرفت که با رشد و بالندگی آسمان را بالا برد. (رساله در تاریخ ادیان، ۲۳۹)
چینی‌ها	موجودی به نام «پانگو» از دل آشوب و بی‌نظمی به وجود آمد و هجده هزار سال رنج کشید تا توانست جهان را شکل بخشد. فاصله‌ی آسمان از زمین نیز هجده هزار سال است و آسمان هر روز سه متر از زمین دورتر می‌شود. (ادیان جهان باستان، ابادری، یوسف؛ ۶۷)
ایرانی‌ها	هنگام تازش اهریمن، شکل ابتدایی استقرار آسمان و زمین دگرگون شده و به نوعی آشفستگی، مبتدل می‌شود. (سرخوش، ۱۳۰)

ب) آسمان از منظر اسلام و قرآن

۱- واژه شناسی

کلمه‌ی «سما» در لغت از ریشه‌ی «سمو» به معنای «بلند» و «برافراشته» است و از این رو به سقف خانه، سماء اطلاق می‌شود. (ری شهری، ۳۹۵). به گفته‌ی برخی از لغویان نیز، سماء معرب شمیا در آرامی، عبری و سریانی است (مصطفوی؛ ۲۲۰/۵). برابر فارسی آن آسمان است که از دو کلمه‌ی «آس» به معنای آسیا و «مان» به معنای مانند، ترکیب شده است و این

نام مناسبی است، چرا که آسمان در حرکت ظاهری همانند سنگ آسیا می‌چرخد (محمودی؛ ۶۰). در لغت به چیزی که بالای چیز دیگری قرار بگیرد و بر آن محیط باشد «سما» آن چیز گفته می‌شود (مصطفوی؛ ۲۲۰/۵) و هر بالایی نسبت به پایین آن «آسمان» و هر پایینی نسبت به بالای آن «زمین» است. (راغب؛ ۴۲۷)

در مورد تذکیر و تأنیث کلمه‌ی سما سه دیدگاه وجود دارد» ۱- سما مؤنث است ولی گاهی مذکر به کار می‌رود. (ابن اثیر؛ ۴۰۶/۲ و راغب؛ ۴۲۷) ۲- هم مذکر و هم مؤنث است. (جوهری؛ ۶/ ۲۳۸۱) ۳- سما در مقابل ارض مونث و سما به معنای سقف مذکر است. (ابن منظور؛ ۳۷۸/۶) این نکته شایان ذکر است که در قرآن، افعال و ضمائر برای سما مؤنث آمده‌اند مگر در آیه‌ی «السما منظر به کان وعده مفعولا» (مزل، ۱۸) برخی از لغویان با توجه به ارجاع ضمیر «هن» به واژه‌ی سما در آیه ۲۹ سوره بقره، آن را اسم جنس و قابل کاربرد برای مفرد و جمع می‌دانند (راغب؛ ۴۲۷ و مصطفوی؛ ۲۲۱/۵). برخی نیز با رد این استدلال، آن را مفرد دانسته‌اند. (قرشی؛ ۳۳۲/۳) برای «سما» جمع‌های متعددی از جمله: اسمیه، سماوات، سمی و سما ذکر شده است. (ابن منظور؛ ۳۷۸/۶)

۲= مفهوم شناسی

واژه‌ی سما در قرآن، ۱۲۰ بار به صورت مفرد و ۱۹۰ بار به صورت جمع به کار رفته است. این کلمه ۱۰۰ بار به تنهایی و در بقیه موارد به همراه کلمه‌ی ارض آمده است (مسترجمی؛ ۸۶)؛ اما در تمام این موارد به یک معنا و در یک مصداق به کار رفته است. به طور کلی، آسمان در قرآن در دو مفهوم مادی (حسی) و معنوی به کار رفته است که برخی از موارد آن عبارتند از:

- ۱- جهت بالا (مکارم، نمونه، ۱۶۵): این معنا موافق معنای لغوی سما است. «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء» (ابراهیم، ۲۴) همانند درخت پر برکت و پاکیزه که در زمین ثابت و محکم است و شاخه‌های آن به آسمان کشیده شده است.
- ۲- هوای فشرده‌ی اطراف زمین (جو) (همان، ۱۱۳/ ۳۹۸): «و جعلنا السماء سقفا محفوظا و هم عن آیاتها معرضون» (انبیاء، ۳۲) و آسمان (جو زمین را) همچون سقفی حفظ شده قرار دادیم.
- ۳- اجرام و کرات آسمانی (رضایی، ۱۵۴/۱): «الله الذی رفع السماوات بغير ترونها ثم استوی علی العرش و سخر الشمس و القمر کل یجری لأجل مسمى یدبر الأمر یفصل الايات لعلکم بلقاء ربکم توقنون» (رعد، ۲) خدا کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید، برافراشت.
- ۴- محل قرار گرفتن ستارگان و سیارات: «تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً و جعل فیها سراجاً و قمراً منیراً» (فرقان، ۶۱) بزرگوار است خدایی که در آسمان، برج‌هایی را مقرر داشت.
- ۵- مقام قرب و حضور که محل تدبیر امور عالم است (طباطبایی، ۱۶/ ۲۴۷؛ مصباح، ۲۳۴): «یدبر الأمر من السماء الی الارض ثم یرج الیه فی یوم کان مقداره ألف سنه مما تعدون» (سجده، ۵) کارها را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند.
- ۶- جهان هستی که شامل تمام موجودات می‌شود: «و هو الذی فی السماء اله و فی الارض اله و هو الحکیم العلیم» (زخرف، ۸۴) و او کسی است که در آسمان معبود است.
- ۷- ابر (قرطبی، ۶/۱۷): «الذی جعل لکم الارض فراشا و السماء بناء و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقا لکم فلا تجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون» (بقره، ۲۲) و از آسمان آبی فرو فرستاد.
- ۸- باران (طبرسی، ۵۴۳/۱۰): «یرسل السماء علیکم مدرارا» (نوح، ۱۱) تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما (فرو) فرستد.
- ۹- سقف خانه: «من کان یظنّ أن لن ینصره الله فی الدنیا و الاخره فلیمدد بسبب الی السماء ثم لیقطع فلینظر هل یدهبنّ کیده ما یغیظ» (حج، ۱۵) پس ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد.

۱۰- با توجه به استعمال واژه‌ی سماء در معانی گوناگون، باید لفظ «سماء» را در قرآن، مشترک لفظی دانست و نیز برخی استعمالات، همچون اطلاق سماء بر ابر و باران را مجاز به حساب آورد.

۳- آفرینش آسمان‌ها و زمین و اهداف این آفرینش

قرآن برای مراحل آفرینش جهان دوره‌های متمادی در نظر می‌گیرد که با عدد شش مشخص می‌شوند. البته دانش نو به انسان‌ها اجازه نمی‌دهد تا ثابت کنند که مراحل مختلف جریان‌های مختلطی که به تکوین جهان منتهی شد شش تا بوده اما مسلم گردیده که مراحل تکوین، دوره‌های درازی بوده که "روزهایی" که ما می‌پنداریم، پیش آن‌ها سخره‌ی زنده ایست. (بوکای، ۱۸۶) یکی از درازترین عبارات قرآن در موضوع آفرینش مطلب فوق را با پهلوی هم قرار دادن شرحی از وقایع زمینی و شرحی از وقایع آسمانی تذکر می‌دهد. آیات ۹ تا ۱۲ سوره‌ی سجده:

" ای رسول مشرکان را بگو که شما به خدا که زمین را در دو روز بیافرید کافر می‌شوید و برای او مثل و مانند قرار می‌دهید؟ (زهی جهل و ناودانی) او خدای جهانیان است (نه بتها و معبودان شما) " (۹)

" و او روی زمین کوه‌ها بر افراشت و انواع برکات و منابع (از معادن و چشمه‌ها و درختان) بسیار قرار داد و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز (برای هر شهر و دیاری) مقدر و معین فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید. " (۱۰)

" و آنگاه به خلقت آسمان‌ها توجه کامل فرمود که آسمان‌ها دودی بود، او، (به امر نافذ تکوینی) فرمود که ای آسمان و زمین (و ای قوای عالم غیب و شهود) همه به سوی خدا (و اطاعت فرمان حق) به شوق و رغبت یا به جبر و کراهت بشتابید آن‌ها عرضه داشتند با کمال شوق به سوی تو می‌شتابیم. " (۱۱)

" آنگاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود و در هر آسمانی به نظم امرش وحی فرمود و آسمان (محسوس) دنیا را به چراغ‌های رخشنده (مهر و ماه و انجم) زیب و زیور دادیم. این (نظام آسمان و زمین) تقدیر خدای مقتر داناست. " (۱۲)

و اما در آیات بسیاری نیز به طور جزئی‌تر به مراحل آفرینش خورشید و ماه و روز و شب و دلایل آفرینش آن‌ها پرداخته است:

فصلت، ۳۷: " و از نشانه‌های او شب و روز و خورشید و ماه است. برای خورشید و ماه سجده نکنید. برای خدایی سجده کنید که آن‌ها را آفریده است، اگر او را می‌پرستید."

یس، ۳۸-۴۰: " و خورشید به سوی قرارگاه خود، روان است. این تقدیر آن عزیز فرزانه است و برای ماه، منزل-هایی معین کرده‌ایم تا چون شاخه‌ی خشک و نازک خرما شود و بازگردد. نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز، پیشی گیرد و هرکدام در مداری شناورند.

الرحمن، ۵: "خورشید و ماه به حساب‌اند."

الانعام، ۹۶: "شکافنده‌ی صبح است و شب را برای آسودن و خورشید و ماه را به حساب قرار داد. این، تقدیر آن عزیز داناست."

یونس، ۵: " اوست که خورشید را روشنی بخشد و ماه را تابان کرد و برای آن منزل‌هایی معین نمود تا شماره‌ی سال‌ها و حساب را بداند. خدا این‌ها را جز به حق نیافرید. نشانه‌ها را برای دانایان به روشنی بیان می‌دارد. "

آل عمران، ۱۹۰: "بی‌گمان، در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است."

غافر، ۵۷: "بی‌گمان، آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش مردم بزرگ‌تر است، اما بیشتر مردم نمی‌دانند."

شوری، ۲۹: "و از نشانه‌های او، آفرینش آسمان‌ها و زمین است و آن چه از جنبندگان در آن پراکنده و او برگرد آمدن آن‌ها چون بخواهد، تواناست."

جائیه، ۳: بی‌گمان در آسمان‌ها و زمین، نشانه‌هایی برای مؤمنان است." یونس، ۱۰۱: " بگو: بنگرید چه در آسمان‌ها و زمین است و نشانه‌ها و هشدارها به کار کسانی که ایمان نمی‌آورند، نمی‌آید." یوسف، ۱۰۵: " و بسی نشانه در آسمان‌ها و زمین که بر آن می‌گذرند، در حالی که از آن، روی گردان‌اند." الانبیاء، ۳۲: " و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و آن‌ها از نشانه‌های آن، روی گردان‌اند." الملک، ۳ و ۴: " کسی که هفت آسمان طبقه طبقه را آفرید. در آفرینش خدای رحمان، خلل و ناهمگونی‌ای نمی‌بینی. پس دوباره بنگر. آیا خللی می‌بینی؟ سپس بار دیگر بنگر. نگاهت خسته و درمانده به سوی باز می‌گردد."

بنابراین گردش منظم زمین و نظام دقیق شب و روز و آفرینش آسمان‌ها، خورشید و ماه از نشانه‌های گوناگون خدا در خلقت است و تفکر در آن از راه‌های خداشناسی است. از نگاه قرآن، دلالت این آیات بر وجود خدا، برای همه کس قابل فهم و بهره‌برداری نیست. (ری شهری، ۳۹۹)

۴- اعجاز قرآن درباره‌ی نجوم و آسمان

یکی از موضوعاتی که در آیات فراوانی از قرآن به آن پرداخته شده، آسمان است. خداوند، آفرینش آسمان را نشانه‌ی خود می‌داند. این کتاب آسمانی با بیان برخی ویژگی‌های آسمان، انسان‌ها را به تأمل و تفکر در آن سفارش کرده است تا از این راه به وجود و صفات خداوند پی ببرند. آغاز آفرینش، توصیف کنونی آسمان و پایان عمر آن از جمله موضوعاتی است که در قرآن به آن اشاره شده است که در برخی موارد به عنوان اعجاز علمی شمرده شده است. بشر بعد از گذشت قرن‌ها به کمک علوم تجربی، برخی از آن‌ها را شناخته است. در ذیل نمونه‌ای از این ویژگی‌ها همراه با اثبات علمی آن در قالب جدولی ارائه شده است:

جدول ۳: اعجاز قرآن درباره‌ی آسمان، منبع: نگارنده

اثبات علمی	آیات قرآنی	اعجاز قرآن درباره‌ی نجوم
انبساط جهان که از تئوری نسبیت عمومی الهام گرفته مبنایی فیزیکی در بررسی‌های طیف کهکشان‌ها دارد؛ تغییر محل طیف‌ها با قاعده‌ی معین به سوی قرمز به وسیله‌ی دور شدن کهکشان‌ها از یکدیگر بیان شدنی است. از این قرار وسعت جهان پیوسته رو به ازدیاد است و هر قدر فاصله از ما بیشتر شود فراخی به همان اندازه زیادت‌تر خواهد گردید. در این انبساط مداوم، سرعت‌های اجسام آسمانی خواهند توانست از کسوری سرعت نور؛ به مقادیری بالاتر از آن برسند. (بوکای، ۲۲۵)	آسمان را به قوت ساختیم. همانا آن را بسط می‌دهیم. (ذاریات ۴۷)	انبساط جهان
انیشترین در نظریه نسبیت خود پیشگویی کرد که انحنای فضا، زمان با چگالی جرم - انرژی عالم متناسب است. به بیان ساده‌تر اگر جرم - انرژی کافی در عالم وجود داشته باشد، گرانی مربوط به این جرم - انرژی سرانجام می‌تواند انبساط عالم را متوقف کند و اگر جرم - انرژی کافی وجود نداشته باشد، عالم برای همیشه منبسط خواهد شد. اما اکتشافات جدیدی که از ماده‌ی تاریک موجود در کهکشان‌ها و نیز جرم سیاهچال‌ها به عمل آمده است، سر رشته‌هایی از جرم - انرژی کافی برای بسته بودن عالم به دست می‌دهد. یعنی عالم خود گرانی کافی دارد تا سرانجام به انبساط خود خاتمه دهد. (دیکسون، ۵۵۶)	روزی که آسمان را همچون پیچیدن طومار نامه‌ها، در می‌نوردیم، همان گونه که نخستین آفرینش را آغاز کردیم آن را باز می‌گردانیم [این] وعده‌ای است بر عهده‌ی ما؛ که قطعاً ما [آن را] انجام می‌دهیم. (انبیا ۱۰۴)	انقباض جهان

اثبات علمی	آیات قرآنی	اعجاز قرآن درباره ی نجوم
<p>در خصوص تسخیر فضا، خود را در برابر دو عبارت نص قرآنی می‌یابیم که یکی اشاره می‌کند به آنچه که روزی به سبب قدرت‌هایی که خداوند به ادراک و هوشمندی بشری خواهد داد تحقق خواهد یافت، و دیگری واقعه‌ای را به خاطر می‌آورد که کفار مکه آن را درک نخواهند کرد و از " طبع " موقعیتی است که تحقق نخواهد یافت. اما دیگران، همان طور که آیهی نخست امکان فرض آن را می‌دهد، شاهد واقعه خواهند بود. آیهی مزبور واکنش‌های بشری را در برابر منظره‌ی غیر مترقبه‌ای که به مسافران فضا عرضه خواهد شد: (نگاه‌های آشفته، احساس جادو شدگی و ...) توصیف می‌کند. (بوکای، ۲۲۸)</p>	<p>ای گروه پریان و آدمیان اگر از نواحی آسمان‌ها و زمین بیرون شدن توانید بیرون شوید، که جز با قدرتی بیرون نمی‌شوید (که ندارید). (الرحمن ۳۳)</p> <p>اگر دری از آسمان به سوی ایشان بگشاییم و بنا کنند از آن بالا روند، گویند: ما را چشم بند کرده‌اند، بلکه ما گروهی جادو زده‌ایم. (الحجر ۱۴ و ۱۵ در اشاره به کفار مکه)</p>	<p>تسخیر فضا</p>
<p>نیوتن با ترکیب دو نیروی جاذبه و گریز از مرکز، حرکت زمین، سیارات، قمرها و دیگر اجرام آسمانی در مدارهای خود و گرد یکدیگر را توجیه کرد و نیز به علت عدم تصادم و سقوط آن‌ها پی برد. سقوط آزاد اجسام، جزر و مدّ اقیانوس‌ها و تقویم اعتدالین از مسائل مهمی بودند که پس از کشف جاذبه، به علت آن‌ها پی برده شد. (مایر دگانی، ۱۹۰ و زمانی، ۱۱۲)</p>	<p>[خدا] آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید آفرید. (لقمان، ۱۰)</p> <p>خدا کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید بر افراشت. (رعد، ۲)</p>	<p>خیمه‌ای برافراشته بدون ستون‌های مرئی</p>
<p>حرکت ستارگان و سیارات و دنباله دارها در مدارهای خود و بازگشت آن‌ها به محل اولشان و نیز بازگشت گازهای تشکیل دهنده‌ی هوا به طبیعت، مانند تبدیل و تجزیه شدن دود ذغال توسط گیاهان به اکسیژن و دیگر گازهای ضروری و نیز بازگشت اجرام فضایی (بعد از پایان عمر این اجرام و رخ دادن انفجاری در آن‌ها) به حالت اوتلیه یعنی حالت گاز و دخان که از آن تشکیل شده‌اند، طلوع و غروب ستارگان، خورشید و ماه و بازگشت فصل‌های سال از تفاسیری است که در بیان معنای رجع ذکر شده است، چرا که در تمام این موارد نوعی رفت و برگشت وجود دارد. (مسترحمی، ۹۵)</p>	<p>سوگند به آسمان صاحب [باران] بازگشته! (طارق، ۱۱)</p>	<p>دارای بازگشت</p>
<p>منطقه البروج، نوار یا باریکه‌ای از کره‌ی عالم است که موازی با دایره البروج و به فاصله ۸/۵ درجه در طرفین آن واقع گردیده است. حرکت ظاهری سالانه‌ی خورشید، ماه و سیارات به جز زهره، در منطقه البروج صورت می‌گیرد. (جعفری، ۳۲۶ و زمانی، ۵۱/۱)</p> <p>دایره البروج به دوازده قسمت برابر (هر کدام به عرض ۳۰ درجه) تقسیم گردیده (بیرونی، ۷۵) و هر یک از قسمت‌های دوازده‌گانه به نام یکی از صورت‌های فلکی که در آن واقع است و غالباً مأخذ یونانی دارد، نامیده شده است. در واقع، این برج‌ها هر کدام، یکی از برج‌های دوازده‌گانه سال خورشیدی و ماه قمری را تشکیل می‌دهند. (نبئی، ۹۹ و سبحانی، ۴۵)</p>	<p>سوگند به آسمان که دارای برج-هاست! (بروج، ۱)</p> <p>و به یقین، در آسمان برج‌هایی قرار دادیم. (حجر، ۱۶)</p> <p>خجسته و [پایدار] است آن [خدایی] که در آسمان برج‌هایی قرار داد. (فرقان، ۶۱)</p>	<p>دارای برج‌ها</p>
<p>مراد از «السماء الدنيا» نزدیک‌ترین آسمان، آسمان اول است و مفرد آن «السماء» نیز شاهی بر این مطلب می‌باشد که ستارگان همچون قندیل‌هایی در آسمان اول آویزانند (طباطبایی، ۳۶۹/۱۷) و باعث زینت آن شده‌اند و اگر در همه‌ی آسمان‌ها پراکنده بودند، نه تنها زینت آسمان اول، بلکه زینت دیگر آسمان‌ها نیز شمرده می‌شدند، در حالی که قرآن می‌گوید: آن‌ها زینت آسمان دنیا هستند. افزون بر آن از ظاهر آیات به دست می‌آید که آسمان اول، همین عالم نجوم و کواکب بالای سر ماست. (همان، ۳۶۹)</p>	<p>در حقیقت ما آسمان نزدیک را با زیور سیارات آراستیم. (صافات، ۶)</p> <p>و آسمان پست [دنیا] را با چراغ-هایی آراستیم. (فصلت، ۱۲)</p> <p>در آیات (ملک، ۵)، (حجر، ۱۶)، (ق، ۶) نیز از زینت آسمان‌ها سخن گفته شده است.</p>	<p>صحنه‌ای آراسته</p>

اعجاز قرآن درباره‌ی نجوم	آیات قرآنی	اثبات علمی
مکانی محفوظ	و آسمان [جو] را سقف محفوظی قرار دادیم. (انبیا، ۳۲) و آسمان پست [دنیا] را با چراغها [ستارگان] آراستیم. (فصلت، ۱۲) در آیات ۲۵۵ بقره، و ۱۷ حجر و ۷ صافات نیز مسئله‌ی حفظ آسمان‌ها بیان شده است.	مراد از حفظ بودن آسمان را، حفظ شدن زمین در برابر پرتوهای مضر آسمانی و نیز شهاب‌های آسمانی می‌داند که روزانه میلیون‌ها عدد از آن‌ها به طرف زمین جذب می‌شوند، ولی جو مانع برخورد آن‌ها به زمین می‌شود. (معرفت، ۱۲۰/۶ و سلیمی، ۱۸۸) بدین ترتیب خداوند زمین را از نابودی و تباهی حفظ می‌نماید (مکارم، تفسیر، ۳۹۸/۱۳) و اوست که با قرار دادن نیروی جاذبه مانع پراکنده شدن جو از اطراف زمین و از بین رفتن آن می‌شود.
سختی تنفس در طبقات بالای جو	و هر کس را که بخواهد [به خاطر اعمالش] در گمراهی‌اش وانهد، سینه‌اش را تنگ تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود. (انعام، ۱۲۵)	به عقیده‌ی برخی دانشمندان از جمله مکارم، قرآن ۱۴۰۰ سال قبل، از نبود اکسیژن و هوای مناسب برای تنفس در بالای جو خبر داده است. آنان با توجه به تشبیهی که در آیه‌ی ۱۲۵ سوره‌ی انعام بیان شده، این نکته‌ی علمی را برداشت کرده‌اند. در این حالت کسی که ایمان نمی‌آورد و سینه‌اش تنگ می- شود، به حالت کسی تشبیه شده است، که در آسمان‌ها بالا می‌رود. (مکارم، نمونه، ۴۳۵/۵)

ج) ارتباط انسان و آسمان از منظر قرآن

در میان ارتباطات چهارگانه‌ی انسان (با خود و خدا و انسان‌های دیگر و طبیعت) ارتباط انسان با طبیعت شگفت‌انگیز و در عین حال پر ابهام است. در عصری که توسعه‌ی فن آوری و استفاده‌ی فزاینده از طبیعت منجر به گسترش آلودگی در آن و از دست رفتن منابع طبیعی و حتی ایجاد ضایعاتی در فضا (مانند رخنه‌دار شدن لایه‌ی اوزون) شده است، شنیدن نوای دوستی با طبیعت و هماهنگی با آن، می‌تواند بسیار دلنشین باشد. چگونه می‌توان به طبیعت عشق ورزید و از آن درس آموخت؟ چگونه می‌توان با آن ارتباطی صمیمانه و شور انگیز برقرار کرد؟ جهان امروز در صدد استیلا بر طبیعت است، اما مکاتب عرفانی همساز با آن و بهره‌مندی صحیح از آن را به انسان می‌آموزند. راستی چه وقتی دیدن طبیعت مفهوم دیگری پیدا می‌کند و زیبایی و جذابی دیگر را فراهم می‌سازد؟ در صورتی که بدانیم در سراپرده طبیعت، دستی تدبیر می‌کند و برای این نعمت‌ها در جهت آسایش و رفاه انسان در کار است.

قرآن کریم همواره از طبیعت و شناخت آن سخن می‌گوید: از آسمان، زمین، خورشید، ماه، ستارگان، از ابرهای باران‌زا و ابرهای غیر باران‌زا، ریزش فراوان آب از آسمان، رویش گیاهان، زیبایی‌های نور، جلوه‌های گوناگون رنگ و وزش باد. به طور کل بیش از ۱۰ درصد آیات قرآن به موضوع طبیعت اختصاص یافته است. (گلشنی، ۱۰۹) از طرفی در آیات بسیاری نیز از تسخیر طبیعت برای انسان توسط خدا خبر می‌دهد مانند سوره ابراهیم ۳۲ و ۳۳، نحل ۱۲/ و ۱۴، حج ۶۵/ و لقمان ۲۹، همچنین از رام کردن تمام آسمانها و زمین برای انسان خبر می‌دهد: سوره لقمان ۲۰/ و جاثیه/۱۲. پروردگاری که انسان را آفرید، آسمان و زمین را نیز خلق فرمود و به مجموعه‌ی نظام کیهانی دستور داد تا از امام و انسان کامل پیروی کنند؛ یعنی انسانی که سالک سبیل الهی و عبد صالح خدا و امین باشد و بار امانت را فهمیده و حمل کند و در آن خیانت نکند، نظام آفرینش تحت تسخیر اوست؛ اما اگر این انسان در امانت الهی خیانت کند، مجموعه‌ی نظام کیهانی نه تنها از او حمایت نمی‌کنند، بلکه از او ارزشمندتر خواهند بود و با او برخورد کرده و عکس‌العملی از خود نشان می‌دهند. زیرا همه‌ی آن‌ها فقط در برابر اراده‌ی الهی خاضع‌اند و به دستور او کار می‌کنند و به فرمان او از پرهیزکار حریم می‌گیرند و از تبه‌کار انتقام خواهند گرفت. (آملی، ۱۶۷ و ۱۶۸) طبیعت شناسی می‌تواند معرفت انسان‌ها نسبت به خداوند را فزونی بخشد و نیز می‌تواند آنها را قادر سازد که از امکاناتی که خداوند برای خیر و سعادت ابدی‌شان فراهم کرده است، استفاده کنند. (گلشنی، ۱۲۶)

نمایشگاه ویژه‌ای از طبیعت ساکت، آرام و بی‌زبان که در قرآن از آن سخن گفته می‌شود، نمایشگاه آسمان، ماه و ستارگان و کهکشان‌ها هستند. برای انسان فرصت‌هایی به دست می‌آید که با تأمل به آسمان نگاه کند و از نگاه خود لذت ببرد. این

فرصت در شب در بیابان‌ها که نور شهرها کمتر وجود دارد و تالو می‌کند و تابلویی طبیعی و منظم از جهان آفرینش را به نمایش می‌گذارد، بهتر فراهم می‌شود. چنان که در بخش قبل اشاره کردیم، قرآن با تعبیرات گوناگون این زیبایی‌ها را توصیف می‌کند و مهم‌تر آنکه ما را به زاویه‌های پنهان شگفتی جهان آفرینش رهنمون می‌سازد. گرچه در دنیای امروز توجه به آسمان و ارتباط بین انسان و این پدیده‌ی شگفت‌انگیز و پررمز و راز کمرنگ شده است، اما گذشتگان ما همواره به ایجاد این رابطه اهتمام ورزیده‌اند. به طور کلی به عقیده‌ی تعدادی از اسلام‌شناسان ارتباط بین انسان و آسمان را در جامعه‌ی اسلامی می‌توان برگرفته از شرایط و علل زیر دانست:

۱. به عقیده‌ی نلینو عامل اصلی که دین داران را به علم هیئت متوجه ساخته، آیاتی از قرآن است که در آن‌ها سخن از سودی است که خدا در اجرام آسمانی و حرکات آن‌ها برای همه‌ی مردم قرار داده و از افراد بشر خواسته است تا در فیض رحمانی و حکمت الهی مندرج در آن‌ها نیک بیاندیشد. و بسیاری از کسانی که درباره‌ی توحید کتاب تالیف کرده‌اند، بر آن بوده‌اند که بهترین راه برای شناختن خدا و بزرگداشت او اندیشیدن در شگفتی‌های آفرینش وی و نظر کردن در حکمتی است که در آفریده‌های خود به ودیعت نهاده است، که همه‌ی این‌ها بر سازنده‌ی آن‌ها و وسعت علم آفریننده‌ی جهان دلالت دارد. وی به نقل از "ابن حزم اندلسی" در کتاب "الفصل فی الملل و الاهواء و النحل" آورده است: "و اما شناسایی حرکت آن‌ها بر افلاکشان و زمانی که صرف آن می‌شود، و مطالع و بعدها و ارتفاع‌ها و اختلاف مراکز افلاک آن‌ها، علم نیکو و بلند مرتبه‌ای است که هر کس در آن نظر کند بر بزرگی قدرت خدای عزوجل آگاه می‌شود، و به تأثیر و سازندگی و اختراعی که خدای تعالی در سراسر عالم دارد یقین پیدا می‌کند، چه در این جهان چیزها هست که ناگزیر آدمی را به وجود آفریننده‌ی معترف می‌سازد." (نلینو، ۱۲۴)
۲. نلینو به ارتباط بین بعضی از احکام شرعی اسلامی با نموده‌های آسمانی اشاره می‌کند و بر این باور است که این ارتباط سبب افزایش توجه مسلمانان به شناسایی مطالب نجومی بوده است. اوقات نمازهای پنجگانه‌ی روزانه، از یک شهر به شهر دیگر و از یک روز به روز دیگر، تفاوت پیدا می‌کند، و محاسبه‌ی آن مستلزم شناختن عرض جغرافیایی مکان و حرکت خورشید در فلک البروج و شفق و فلق است. و از شرایط نمازگزاردن رو به قبله ایستادن است، که بنابراین لازم است جهت قبله را بدانند که این خود مبتنی بر حل مسئله‌ای از مسائل علم هیئت است و به مثلثات کروی مربوط می‌شود. و اینکه نماز کسوف و خسوف واجب است، خود خواستار آن است که پیش از وقت آمادگی برای شناختن زمان این دو حادثه‌ی آسمانی را داشته باشند، که جز از راه شناختن حرکات خورشید و ماه و استفاده از زیج‌های صحیح میسر نمی‌شود. و نیز چنین است روزه داشتن و روزه گشودن در ماه رمضان که مسلمانان را به محاسبات فلکی بر می‌انگیزد، چه ابتدا و انتهای روزه با رویت هلال است نه از روی گاه شماری عرفی، و دیگر اینکه آغاز امساک برای روزه از فجر است که این خود مستلزم شناختن فجر می‌شود. (همان، ۱۳۸)
۳. بعضی نیز بر این باورند که در ساخت شهرها و گذرگاه‌ها در دوران اسلامی از دانش ستاره‌شناسی بهره می‌بردند. برای مثال "ابن واضح الیعقوبی" در کتاب "البلدان" خود، که در آن سخن درباره‌ی وصف بغداد و گذرگاه‌ها و کوچه‌های آن را به درازا کشیده، آورده است که چون منصور به ساختن شهر بغداد آغاز کرد، "شالوده‌ی شهر را در وقتی ریخت که نوبخت منجم اختیار کرده بود." (همان، ۱۴۷)
۴. در جهان اسلام بیش از یکصد زیج نجومی وجود داشته است. انگیزه انجام محاسبات و اصلاح و رونویسی این زیج‌ها تنها کنجکاو علمی نبود. وجود آن‌ها برای اخترشناسی واجب بوده است. سلاطین و فرمانروایانی که مبالغ هنگفت برای ایجاد رصدخانه‌ها و ساختن ابزار دقیق نجومی تخصیص می‌دادند تنها به دنبال نام نیک و رواج دانش نبودند. بلکه انتظار پیشگویی‌های اخترشناسی هم داشتند. (واندرودن، ۱۷) می‌توان چنین دیدگاهی را با آیاتی از قرآن نیز توجیه کرد. اگرچه قرآن از امتناع آسمان از قبول امانت الهی سخن می‌گوید (احزاب، ۷۲) ولی آن را فرمانبردار و مطیع (فصلت، ۱۱ و انشقاق، ۲ و هود، ۴۴) دستورات خداوند متعال معرفی نموده و از تدبیر امور زمینی از طرف آسمان خبر می‌دهد. (سجده، ۵ و طلاق، ۱۲)



نمودار ۱: ارتباط انسان و آسمان در جهان اسلام، منبع: نگارنده

نتیجه‌گیری

اهمیت و تأثیر آسمان بر تمامی ابعاد زندگی انسان از گذشته تا به امروز کاملاً روشن است. پس از بررسی تطبیقی اساطیر و ادیان کهن نشانه‌هایی از تأکید بر عناصر مشترک آسمانی و وجود خدایان بزرگ آسمانی مشاهده کردیم و پذیرفتیم که اعتقادی تقریباً جهانی به ذات الهی آسمان وجود داشته است و همواره در بین همه‌ی ملل آسمان دارای وسعت، قداست و ضامن باروری زمین شناخته می‌شده است. از همین رو در میان اقوام کهن به ارتباط بین زمین و آسمان به عنوان عاملی جهت افزایش ارتباط انسان و خدا (خدایان) توجه می‌شده است.



نمودار ۲: پیوند بین زمین و آسمان راهی جهت ایجاد پیوند بین انسان و خدا، منبع: نگارنده

پس از بررسی آیات فراوانی از قرآن که اشاره به آفرینش و توجه انسان به آسمان داشته است، به این مهم پی بردیم که توجه به آسمان و تفکر بر روی پدیده‌های آسمانی، یکی از راه‌های توحید و خداشناسی است. چرا که انسان را از عظمت و

حکمت الهی آگاه کرده و قدرت و وسعت بی‌کران خالق آسمان‌ها را متذکر می‌شود. علاوه بر تأکید قرآن به توجه و تفکر بر روی آسمان، تأثیر حرکات اجرام آسمانی بر روی زندگی، شهرنشینی و بعضی از احکام شرعی، از علل توجه مسلمانان به علم هیئت در طول تاریخ بوده است.

بنابراین به این نتیجه رسیدیم که شاید کاهش ارتباط بصری و معنایی بین انسان و آسمان در عصر حاضر، یکی از علل افزایش پریشان حالی و دوری از معنویات در انسان معاصر باشد. شاید بتوان با افزایش این رابطه و ایجاد امکان نگاه همراه با تفکر بر پرده‌ی وسیع و پر رمز و راز آسمان این خلاء را پر کرد. و اما آنچه به عنوان سؤال مبهم باقی می‌ماند و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد بررسی قرار گیرد، نقش معماری و شهرسازی گذشته و معاصر در ایجاد ارتباط بصری بین انسان و آسمان و در واقع پیوند بین انسان و آسمان است. چرا که در معماری گذشته، به عنوان ظرف زندگی نیاکان ما، همواره دید به آسمان امکان پذیر بوده است. و از آنجا که نمی‌توان تأثیرات روانی این ارتباط بصری را انکار کرد، سؤال دیگر می‌تواند تأثیرات روانی و رفتاری نگاه بر آسمان از درون فضای زندگی باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اوستای مقدس.
۳. ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر، ۱۴۱۵ ق. تفسیر القرآن العظیم، نشر دار احیاء التراث العربی
۴. ابن منظور، محمد ابن مکرم، ۱۴۱۲ ق. لسان العرب، نشر دار احیاء التراث العربی
۵. احمد ابن فارس، ۱۴۲۰ ق. معجم مقاییس اللغه، بیروت، نشر دارالکتب اسلامیه، چاپ سوم
۶. الیاده، میرچا، ۱۳۷۶. رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران
۷. امامی، سیدحسین، ۱۳۹۰. پیوند معماری سنتی با حکمت، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت (۶۹)
۸. بزرگمهری، زهره. ۱۳۶۰. هندسه در معماری ایران. اثر. شماره ۷ و ۶.
۹. بوکای موریس، ترجمه ذبیح الله دبیر، ۱۳۶۵. مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم
۱۰. جان صدقه، ترجمه محمد رضا ترکی. ۱۳۷۷، آسمان در اسطوره شناسی، مجله تخصصی شعر، شماره ۲۴
۱۱. جوهری، اسماعیل ابن حماد، ۱۴۰۴ ق. صحاح اللغه، دارالعلم بیروت، چاپ سوم
۱۲. جعفری، عباس، ۱۳۷۹. فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، نشر گیتاشناسی، چاپ چهارم
۱۳. دیکسون، رابرت. تی، ترجمه احمد خواجه نصیر طوسی، ۱۳۹۳. نجوم دینامیکی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی
۱۴. راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ ق. المفردات لالفاظ القرآن، نشر ذوی القربی، چاپ پنجم
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول
۱۶. زمانی قمشه‌ای، علی، ۱۳۸۱. هیئت و نجوم اسلامی، نشر سماء چاپ اول
۱۷. سبحانی، قریب، یعقوب پور، ۱۳۶۳. زمین در فضا، نشر آفتاب، چاپ اول
۱۸. سرخوش، فائقه، ۱۳۸۹. اسطوره‌ی زمین و آسمان: زمین و آسمان در باور ایرانیان، نشر ترفند، تهران
۱۹. سلیمی، لطفعلی، ۱۳۸۱. کهنکشان‌ها در قرآن، نشر انصاری، چاپ اول
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر اسلامیه، چاپ دوم
۲۱. طبرسی، ابی الفضل ابن حسن، ۱۴۱۵ ق. تفسیر مجمع البیان، جلد دهم، نشر مؤسسه اعلمی، چاپ اول
۲۲. قرطبی، محمد ابن احمد، ۱۴۱۲ ق. تفسیر الجامع لاحکام القرآن، نشر دار الکتب العربی، جلد اول
۲۳. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۱. قاموس قرآن، نشر اسلامیه، چاپ سوم.
۲۴. گلشنی، مهدی، ۱۳۸۴. قرآن و علوم طبیعت، چاپ سوم، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲۵. مایر دگانی، مترجم: محمدرضا خواجه پور، ۱۳۸۸. نجوم به زبان ساده، نشر گیتاشناسی، چاپ پنجم

۲۶. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶. دانشنامه‌ی عقاید اسلامی، گردآوری محمدرضا محسنی نیا، نشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم
۲۷. محمودی، عباسعلی، ۱۳۶۲. ساکنان آسمان از نظر قرآن، نشر نهضت زنان مسلمان، چاپ چهارم
۲۸. مسترحمی، عیسی، ۱۳۸۸. آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم، پژوهشنامه‌ی علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره‌ی چهارم
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۳. معارف قرآن، نشر در راه حق
۳۰. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، نشر وزارت ارشاد اسلامی
۳۱. معرفت، آیت الله محمد هادی، ۱۴۱۷ ق. التهمید فی علوم القرآن، نشر اسلامی
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱. تفسیر نمونه، نشر دارالکتب اسلامی، چاپ بیست و هشتم
۳۳. نبئی، ابوالفضل، ۱۳۷۱. هدایت طلاب به دانش اسطرلاب، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول
۳۴. نصر، سید حسین، ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی، تهران، نشر حکمت
۳۵. نصر، سید حسین، ۱۳۷۵. سرچشمه‌ی هنر و معنویت، تهران، انتشارات مرکز پژوهش و هنر سهروردی
۳۶. نلینو، کرلو الفونسو، ترجمه‌ی احمد آرام، ۱۳۷۷. تاریخ نجوم اسلامی، نشر کانون و پژوهش های اسلامی
۳۷. واندروردن، بارتل.ال، ترجمه همایون صنعتی زاده، ۱۳۸۶، نشر دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول
۳۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه حسین کامیاب، محمد امین علیزاده، لیلا زارع، ۱۳۹۲، نشر بهنود، چاپ چهارم

